

شیوه درخواست والدین از فرزند، جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر، با الهام از آیه ۱۰۲ سوره صافات

عارفه خندان^۱

محمدصادق فاضل^۲

چکیده

قرآن کریم به عنوان کامل ترین و بهترین کتاب راهنما در قالب گفتار، رفتار و حتی در قالب قصه، به تربیت فرزندان پرداخته است. از آیاتی که می شود نکاتی پیرامون تربیت فرزند از آن برداشت کرد، آیه ۱۰۲ سوره مبارک صافات است. یکی از نکات حائز اهمیت در تربیت فرزند که در این آیه بدان اشاره شده است، شیوه درخواست والدین از فرزند خود، جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر است. هدف این پژوهش، استخراج نکات تربیتی با الهام از آیه ۱۰۲ سوره صافات است که باید توسط والدین، در زمان درخواست اتخاذ یک تصمیم خطیر از فرزند، رعایت شود. بنابراین، سوال اصلی تحقیق این است که نکات تربیتی حائز اهمیت، در شیوه درخواست والدین از فرزند جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر، با الهام از آیه ۱۰۲ سوره صافات، کدامند؟

در این آیه، شیوه درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام از حضرت اسماعیل علیه السلام در آمادگی برای قربانی شدن در راه خدا، مطرح شده است. به طبع، قربانی شدن یک تصمیم خطیری است که اسماعیل علیه السلام باید اتخاذ نماید و باید با شیوه خاصی از فرزند خواسته شود. پژوهش حاضر با مراجعه به کتب تفسیری و با کمک گرفتن از کتب تربیتی، هفت نکته تربیتی قابل برداشت از آیه را بیان می کند که عبارتند از: در نظر گرفتن توانایی نوجوان، محبت، جلب کردن مشارکت، تکریم شخصیت فرزند، گفت و گوی صریح و کوتاه، مهارت گوش کردن و هم دردی و عامل بودن والدین. **واژه های کلیدی:** تربیت فرزند، درخواست از فرزند، امور خطیره، آیه ۱۰۲ سوره صافات.

۱. طلبه سطح ۳ تاریخ اسلام، مدرسه تخصصی الزهراء علیها السلام، ساری، ایران، (نویسنده مسئول).

Email: Arfhkhdan@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۴ فقه و اصول و استاد سطوح عالی حوزه، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Email: M.60_sfazel@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

مقدمه

۱. بیان مسئله

خداوند در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات می‌فرماید: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!». بنابر این آیه، حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از سپری کردن آزمون‌های الهی، مورد آزمون دیگری قرار می‌گیرد و آن ذبح فرزند نوجوانش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ص ۱۱۲). پروردگار به حضرت ابراهیم علیه السلام امر فرمود تا فرزند خود اسماعیل علیه السلام را در منا قربانی کند. خداوند برای ارائه این فرمان، شکل و شمائل دستور خود را در خواب ارائه داد (بروجردی، ۱۳۶۶ ش: ج ۵، ص ۵۱۶). از آن جا که فهم انبیاء علیهم السلام - که رؤیای انبیاء علیهم السلام نیز جزء آن است - به معنای یقین است (مغنیه، ۱۳۷۸ ش: ج ۶، ص ۵۷۱)، حضرت ابراهیم علیه السلام یقین پیدا کرد که خداوند او را به سر بردن فرزندش دستور داده است. ولی ایشان قبل از هر چیز باید فرزند نوجوانش (که به حد بلوغ و به عقیده مفسرین دیگر به سن ۱۳ سالگی رسیده است) را برای این دستور آماده کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ص ۱۱۲). از این رو، به پسرش خبر داد که وی چنین دستوری دریافت کرده است و از او خواست که پس از اندیشیدن، نظر خود را در این باره اعلام کند (مغنیه، ۱۳۷۸ ش: ج ۶، ص ۵۷۱) و فرمود: «فرزند من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم، بنگر نظر تو چیست؟» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ص ۱۱۲). در پاسخ، حضرت اسماعیل علیه السلام گفت: «پدر جان! انجام بده آن چه بدان مأمور شده‌ای (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ص ۲۳۰)، به خواست خدا، مرا از صابران خواهی یافت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ص ۱۱۲).

این آیه دربردارنده نکات تربیتی مهمی در مقام درخواست پدر از فرزند است، تا فرزند دست به اتخاذ یک تصمیم خطیر بزند. هدف این پژوهش، استخراج نکات تربیتی در زمان درخواست والدین از فرزند جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر با الهام از آیه ۱۰۲ سوره صافات است. بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که نکات تربیتی حائز اهمیت، در شیوه درخواست والدین از فرزند جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر، با الهام از آیه ۱۰۲ سوره صافات، کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی پژوهش‌های موجود پیرامون موضوع مورد نظر، مقاله‌ای با مسئله خاص این پژوهش یافت نشد، اما آثاری مرتبط را می‌توان به عنوان پیشینه این پژوهش تلقی کرد. زارعی (۱۳۹۸ ش)

در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبردهای تربیتی در ارتباطات انسانی در گفتگوی ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام با تاکید بر آیه ۱۰۲ سوره صافات»، به توصیف و تحلیل این آیه در دو بخش می‌پردازد. در بخش اول، به تفاسیر آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات اشاره می‌کند و در بخش دوم، ۲۸ راهبرد تربیتی در ارتباطات انسانی را می‌نگارد.

قاضی و همکاران (۱۴۰۰ش)، در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی ساختاری رابطه بین ارتباط والد- فرزند و سبک‌های تصمیم‌گیری با میانجی‌گری تنظیم‌شناختی هیجان»، با تمرکز بر اصلاح الگوهای رابطه والد- فرزند و بهبود مهارت‌های تنظیم هیجان در نوجوانان، سعی در بهبود سبک‌های تصمیم‌گیری آن‌ها دارد. این مقاله به آموزش والدین در مورد نحوه برقراری ارتباط مؤثر و حمایتگر با فرزندان نیز پرداخته است.

اولیایی ترشیزی (۱۳۹۶ش) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمایی ارتباط والدین با فرزندان جوان، مطالعه انتقادی فیلم (کوچه بی‌نام)»، به بیان سبک‌های مختلف فرزندپروری و انتخاب سبک فرزندپروری اسلامی و تبیین جلوه‌هایی برای ارتباط، به تحلیل بازنمایی ارتباط والدین با فرزندان، با توجه به فیلم کوچه بی‌نام پرداخته است.

۳. ضرورت و روش پژوهش

والدین در مسائل مختلف زندگی، در موقعیت‌های خاص، تصمیم‌گیری‌های خطیری را برعهده فرزندان قرار می‌دهند. جهت اقدام درست در این وضعیت، باید به جوانب مختلف مسئله توجه کرد و مقدمات آن را با دقت و بررسی کامل و جامع در نظر گرفت تا ذی‌المقدمه به درستی محقق شود. برای سپردن یک تصمیم خطیر بر فرزند، باید شیوه‌های برخورد آن به درستی و با آگاهی باشد؛ چراکه اگر والدین در این نحوه درخواست، با چالش روبرو شوند، فرزند دچار خسران فراوانی از جمله عدم اعتماد به نفس، عدم مسئولیت‌پذیری، ضعف در برقراری ارتباط عاطفی با خانواده و ... می‌شود. این امر مهم، با این چالش در عصر حاضر، به دلیل تغییرات و تحولاتی که در فرهنگ اسلامی و ایرانی خانواده به وجود آمده، از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا ضروری است در این زمینه، شیوه‌های برخورد والدین بر مبنای اسلام تبیین گردد. مقاله حاضر به روش توصیفی و با تحلیل ترجمه‌ها و تفاسیر آیه ۱۰۲ سوره مبارک صافات، به معیارهایی برای شیوه درخواست از فرزندان جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر اشاره می‌کند. مرور پژوهش‌های صورت گرفته، حاکی از آن است که شیوه درخواست والدین از فرزند، جهت اتخاذ یک تصمیم خطیر با تاکید بر آیات، مغفول مانده است. هم‌چنین این اثر، علاوه بر این‌که به روی آوردی تفسیری می‌پردازد، به نکات تربیتی در حیطة والد - فرزندی هم خواهد پرداخت.

یافته‌ها و بحث

تربیت در سنین نوجوانی، یکی از چالش‌هایی است که اغلب خانواده‌ها با آن مواجه هستند؛ چرا که نوجوان، پیش از این در دوران کودکی به سر می‌برده و مطیع دستورات پدر و مادر بوده است، ولی وقتی که به سن نوجوانی و بلوغ رسیده و در دوره حساسی به سر می‌برد، خواهان استقلال بیشتر است. این استقلال در تصمیم‌گیری در امور مهم و خطیر، بیش از پیش خود را نشان می‌دهد و نیاز نوجوان به داشتن استقلال را پررنگ‌تر خواهد کرد. از این رو، شیوه درخواست از فرزند بسیار مهم خواهد شد تا با توجه به ویژگی‌های نوجوان در این سن، بهترین شیوه برخورد اتفاق بیفتد. در آیه مورد بحث، نکات تربیتی مهمی نهفته است که والدین باید در زمان درخواست یک تصمیم یا رفتار خطیر از فرزند، آن‌ها را رعایت نمایند. این نکات به قرار زیر است:

۱. در نظر گرفتن توانایی نوجوان

نوجوانان شیفته ابراز لیاقت، شایستگی و اظهار وجود هستند. جهت ابراز این شایستگی، والدین می‌توانند با به‌کارگیری توانایی واقعی نوجوان در این امر، به آن‌ها یاری برسانند. لذا در نظر گرفتن توانایی نوجوان در تمامی امور، اهمیت بسزایی دارد. هم‌چنین، این شیوه از برخورد، در شکل‌گیری هویت و شخصیت نوجوان اثرگذار خواهد بود. بر همین اساس، نحوه درخواست از فرزند باید با توجه به توانایی‌هایش باشد.

از کلمه «السعی» در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات برداشت می‌شود که درخواست از فرزند، برای اتخاذ یک تصمیم خطیر در حیطه توانایی‌های او است. واژه «السعی» در این آیه، به نوجوان اطلاق می‌شود؛ زیرا مفسرین در تعبیر این واژه، بر چهار نظرند. در نظر اول، مراد از «السعی» را بلوغ دانسته‌اند. بلوغ دارای حالت‌های متفاوتی است که در کتاب *جلوه‌های بلوغ*، از این حالت‌ها، تعبیر به «جلوه» می‌شود. نویسنده کتاب به این نیز اشاره می‌نماید که بلوغ از نظر واژه‌شناسی، به معنای «رسیدن به حد تعادل» است و بالغ به کسی گفته می‌شود که از نظر رشد و فزونی در هر بُعد، متعادل باشد (حق جو، ۱۳۷۴ش: ص ۹).

علامه طباطبایی نیز از مفسرین دیگر نقل قول می‌کنند که: «عده‌ای «سعی» را بر این می‌دانند که حضرت اسماعیل علیه السلام، به توانایی و حدِ سعی و کوشش رسیدند تا برای دستیابی به حوائج زندگی خویش تلاش کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۷، ص ۲۳۰؛ طبرسی، ۱۳۵۷ش: ج ۲۱، ص ۲۳) و «یاری‌رسان پدر خویش در مسائل مختلف زندگی باشند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۹، ص ۱۱۱) که علامه طباطبایی از آن نیز به عنوان بلوغ یاد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۷، ص ۲۳۰). هم‌چنین در کتاب *تفسیر روح البیان*، درباره عبارت «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ» به این نکته اذعان

می‌کند که حضرت اسماعیل علیه السلام به مقام مجاهدت و سعی در کار رسید، به گونه‌ای که فقط در میزان علم با پدر بزرگوار خویش در تفاوت بودند و زمانی که به حد بلوغ نمی‌رسید، به ایشان این کار بزرگ محول نمی‌شد (حقی برسوی، بی‌تا: ج ۷، ص ۴۷۳).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، مراد از «السعی» را سن ۱۳ سالگی دانسته‌اند و با توجه به دیدگاه روان‌شناسان که بلوغ را در سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی می‌دانند، پس آیت الله مکارم شیرازی، موافق با نظر این گروه است که مراد از السعی، بلوغ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ص ۱۱۱). در نظر دوم که تنها آیت الله طبرسی و جزایری به آن اشاره کرده‌اند، مراد از «السعی» را به حدی از توانایی که در راه خدا و عبودیت قدم بردارد، بیان داشته‌اند (طبرسی، ۱۳۵۷ ش: ج ۲۱، ص ۲۳؛ جزایری، ۱۳۸۸ ش: ج ۴، ص ۲۲۵).

در نظر سوم، مفسرین مراد از «السعی» را، سعی صفا و مروه دانسته‌اند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱۱، ص ۱۴۱)؛ یعنی به حدی از توانایی رسید که به اعمال و مناسک حج بپردازد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۶، ص ۲۰۹). هم‌چنین در ادامه این نظر، می‌توان به کتاب بیان السعاده فی مقامات العباد اشاره کرد که آن را رسیدن به سن بلوغ و توانایی یک مرد در نظر گرفته که در خواب حضرت ابراهیم علیه السلام، امر به ذبح ایشان گشت (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۲، ص ۲۳۹). در نظر چهارم، برخی از مفسرین، سه نظر فوق را نیز قبول دارند. از جمله در کتاب روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن نقل شده است که مراد از عبارت «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ» این است: «چون برسید با پدر آن فرزند که او خواست به سعی. در معنی سعی او خلاف کردند، عبدالله عباس گفت: مراد آن است که چون پسر در سعی با او به آن کوه رسید که ایشان را فرمودند به ذبح، عند آن کوه. مجاهد گفت: بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ، یعنی، به آن جا رسید که با پدر برابر برفتی و بتاختی. مفسران گفتند: در این وقت او را ۱۳ سال بود. ابن زید گفت: مراد به سعی، عبادت است؛ یعنی چون به آن جا رسید که با پدر عبادت می‌توانست کردن. حسن بصری گفت و مقاتل حیان: مراد به سعی، صفا و مروه است، یعنی به آن جا رسید که [با] پدر حج توانست کردن» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۶، ص ۲۰۹). از نظرات فوق برداشت می‌شود که هر سه نظر از مفسرین، بیانگر توانایی نوجوان است. بنابراین، نوجوانی دوره‌ای است که در آن، فرد تغییرات بسزایی را پشت سر گذاشته تا به یک هویت مستقل و ثابت دست یابد و والدین در این دوره از زندگی فرزند، با توجه به وظایفی که در برابر فرامین الهی عهده‌دار می‌شود، نسبت به توانایی فرزند آگاهی می‌یابند. هم‌چنین برخی بر این عقیده‌اند که نوجوان و جوان بایستی از «کرامت خود و هم‌چنین به عظمت مقام خود که در سایه عبادت و پرهیزکاری» حاصل می‌شود، آگاهی یابد و این آگاهی یافتن نیز از طریق این است

که بداند فردی است ارزشمند که سرمایه بزرگی و عظمتش در ایمان، تقوا، عفت و پاکدامنی است و آن را از دست ندهد (فرهادیان، ۱۳۹۰ش: ص ۸۹).

به همین منظور، نحوه درخواست با توجه به توانایی‌های فردی نوجوان، موجب بروز و شکل‌گیری شخصیت او می‌شود. والدین با توجه به موارد ذکر شده، آگاهی می‌یابند که فرزند نوجوانشان به توانایی لازم رسیده است تا در درخواست از او، توانایی‌اش را مورد توجه قرار بدهند.

۲. محبت

در اسلام، جامعه مطلوب انسانی، جامعه‌ای است که بر اساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل بگیرد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶ش: ج ۱، ص ۲۱). امام صادق (ع) در زمینه محبت در خانواده می‌فرماید: «محبت در حق فرزند، محبت در حق پدر و مادر است؛ خدا بر آن بنده‌ای که زیاد علاقه به فرزند دارد، رحمت می‌فرستد» (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲ش: ص ۲۲۵). علامه شعرانی در باب محبت، بر این عقیده است که خداوند تعالی برای حفظ انواع حیوان و انسان، «محبت فرزند» را در دل پدر و مادر قرار داده و فقدان فرزند را برای آن‌ها سخت و دردناک نموده تا در حفظ آن بکوشند (شعرانی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ص ۱۲۰). فرزند برای گذر از شیرخوارگی تا بزرگسالی، نیازمند به محبت والدین است و لذا این محبت از جانب پروردگار در وجودشان نهادینه می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۲ش: ص ۲۸۵).

به خاطر اهمیت ویژه خانواده در جامعه، محبت در بین افراد خانواده، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ محبت بین زن و شوهر و محبت بین والدین و فرزندان. به خاطر نمود محبت بین والدین و فرزندان، یکی از زیربناهای تربیت اسلامی، محبت خواهد بود (استکی اورگانی، ۱۳۹۵ش: ص ۴۶). از این رو، محبت می‌تواند به عنوان مؤثرترین عنصر پرورش انسان‌های شایسته و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶ش: ج ۱، ص ۲۲). بر این اساس، محبت باید در تمامی مراحل و رفتارهای والدین وجود داشته باشد. از این رو، باید در نحوه درخواست از نوجوان، محبت را فراموش نکرد، بلکه یکی از اصل‌هایی که در درخواست پدر و مادر باید مد نظر باشد، محبت است.

کلمه «یا بنی» در آیه مورد نظر، بیانگر محبت است. حضرت ابراهیم (ع) در هنگام گفت‌وگو با فرزند بزرگوار خویش، با محبت درخواست می‌نماید. لذا در تفسیر نور، در بیان این نکته اذعان می‌دارد که گفت‌وگوی پدر با فرزند باید عاطفی باشد (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۸، ص ۴۹). هم‌چنین از «یا بنی»، تصغیر شفقت تعبیر می‌شود (حق‌ی برسوی، بی‌تا: ج ۷، ص ۴۷۳) که یکی از اهداف تصغیر نیز ابراز مهربانی است؛ همانند استفاده کلمه یا بنی به جای کلمه ابن (محمدی، ۱۳۹۷ش: ص ۴۲۳).

با توجه به این که یکی از مراحل رشد انسان، نوجوانی است و نوجوانی در زندگی اهمیت دارد، محبت به نوجوان هم مورد توجه باید قرار گیرد و بر این اساس، مورد توجه قرار دادن محبت در نحوه درخواست والدین در امور خطیره از نوجوان، تأثیر شگفتی را به همراه دارد.

۳. جلب کردن مشارکت

در روایات اسلامی، دوره های زندگی فرزندان از بدو تولد تا ۲۱ سالگی، به سه دوره هفت ساله تقسیم و برای هر دوره ویژگی هایی بیان شده است. دوره سوم (۱۴-۲۱ سالگی) به دوره وزارت، یعنی دوره ملازم بودن اختصاص دارد (پسندیده، ۱۳۹۲ ش: ص ۲۰). در واقع، نوجوان هم چون «وزیر»، باید خود را آزاد ببیند تا در قوانین و مسائل جاری و تصمیمات آینده در کنار سلطان (والدین)، مشارکت و جرأت اظهار نظر داشته باشد.

اولین محیطی که می توان نوجوان را به سمت این مشارکت سوق داد، خانواده است. خانواده از بسترهای مختلف می تواند برای جلب مشارکت فرزندان استفاده کند. شیوه درخواست از فرزند، یکی از این بسترها است.

نوجوان، در معرض بحران هویت قرار دارد و خود را سرگردان در بین کودکی و جوانی می بیند. به همین خاطر، نوجوان در این دوران، رغبت کمتری به صحبت کردن دارد و همین امر، منجر به سکوت آن ها می شود. یکی از ابزارهایی که نوجوان را در ارتباط با والدین به سوی صحبت کردن می کشاند، دوسویه بودن کلام است. در دوسویه بودن کلام، والدین در پی امر و نهی نیستند. از دیگر نکاتی که والدین با آن می توانند، فرزند نوجوان خویش را ترغیب به صحبت کردن، خودابراگری و ابراز عقیده کنند، این است که در نحوه درخواست امور، کلامی دوسویه داشته باشند که بدون امر و نهی باشد. در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات، در عبارت «فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى»، از دیدگاه نگارنده، اشاره به جلب مشارکت فرزند در نحوه درخواست در امور خطیره می کند.

در ذیل عبارت «فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى»، مجمع البیان از مفسرین درباره کلمه «رأی»، تعبیر متفاوتی را نقل می کند: ۱. دید؛ ۲. دانست؛ ۳. گمان کرد؛ ۴. رأی و نظر داد؛ ۵. اعتقاد داشت.

علامه طباطبایی، موافق تعبیر پنجم است و کلمه «تری» را به معنای اعتقاد، می داند. لذا این عبارت «فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى» را این گونه تعبیر می کند: «تو درباره سرنوشت خودت فکر کن و تصمیم بگیر و تکلیف مرا روشن ساز» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ص ۲۳۰). اگر این تعبیر درست باشد، از آن، این گونه برداشت می شود که حضرت ابراهیم علیه السلام از فرزندشان در گفت و گویی، بدون آن که به این امر خطیر امر کنند، از ایشان در رابطه با آن، نظرخواهی می کنند و گفت و گویی دوسویه در این آیه مشاهده می شود.

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از پشت سر گذاشتن امتحان‌های الهی که از هر کدام سر بلند بیرون آمد، اکنون نیز باید در پی اجرای فرمان الهی دیگری باشد. فرزندی را که سال‌ها انتظارش را می‌کشید، حال که نوجوانی برومند شده است، بایستی قربانی کند. در این جا، آیت الله مکارم شیرازی نیز به نکته‌ای اشاره می‌نماید که حضرت علیه السلام، در صدد آماده کردن فرزند خویش برآمدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۹، ص ۱۱۲).

مفسر مجمع البیان در تفسیر خود، به پنج نظر درباره کلمه «تری» می‌پردازد که چهار نظر را رد کرده و می‌فرماید: این معانی‌ها با مراد آیه سازش ندارد و در این جا تنها معنایی که باقی می‌ماند، نظر چهارم است که عبارت از «رأی و نظر» است (طبرسی، بی تا: ج ۲۱، ص ۲۴) و در جایی دیگر بیان می‌دارد: «در عبارت «فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى»؛ کلمه «ما ذا» در محل نصب و به جای يك اسم است و بنا بر معنای اول، «ذا» به معنای «الَّذِي» است؛ یعنی رأی تو چه چیز است؟ لفظ «ما» مبتدا و موصول و صله‌اش خبر آن است و به صورت ما ذا تری، به ضم «تاء» و کسر «راء» خوانده شده و مقصود این است که آیا در آن چه باید تحمل کنی، استوار و پایداری یا سست و بی‌تابی» (طبرسی، ۱۳۵۷ ش: ج ۵، ص ۳۰۰).

بنابراین، از مباحثی که درباره کلمه «تری» و عبارت «فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى» گذشت، درست‌ترین معنا از این تعابیر، رأی و نظر و اعتقاد است و هم‌چنین از تعبیر مورد نظر، برداشت می‌شود که حضرت ابراهیم علیه السلام، در پی مشارکت نمودن و گفت‌وگویی دو سویه با حضرت اسماعیل علیه السلام در امور است. حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر خوابی که بر وی امر ممثّل شده بود، می‌خواست از این طریق، فرزند خویش را در برابر این امر الهی امتحان کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ص ۲۳) که آیا صبر خواهد کرد یا جزع خواهد نمود (میبدی، ۱۳۷۱ ش: ج ۸، ص ۲۹). در بیان این داستان، جلب مشارکت حضرت ابراهیم علیه السلام در ارتباط با فرزند خویش، در قالب مشورت نمودن مشاهده می‌شود و هم‌چنین ارتباط و مشارکت، نقش مهمی در ایجاد احساس عاطفی دارد (گروه نویسندگان، ۱۳۸۶ ش: ص ۱۸۶). به همین منظور، در ارتباط با والدین، مشارکت از پیش، بیش‌تر خود را نشان خواهد داد. مشورت کردن با فرزندان، نوعی جلب مشارکت آن‌ها بوده و موجب رشد و تعالی شخصیت آن‌ها می‌گردد؛ زیرا با این کار، احساس مفید و مستقل بودن، می‌نماید و راه مبارزه با مشکلات و یافتن راه حل در آنان، شکوفا می‌شود و اعتماد به نفس در وجودشان تقویت می‌گردد (محمدیان، ۱۳۷۷ ش: صص ۱۹۴-۱۹۵).

در تفسیر نور، با توجه به عبارت «فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى»، نویسنده بر این نظر است که برای رشد و شخصیت دادن به فرزندان خود، با آن‌ها مشورت کنید و از آن‌ها نظر بخواهید (قرائتی، ۱۳۸۸ ش:

ج ۸، ص ۴۹). شایسته است علاوه بر نظرخواهی از فرزندان، انجام برخی از امور را نیز به آن‌ها واگذار کرد تا خود را توسط انجام آن امر، نشان دهند، نوجوانان در این سنین، علاقه‌مند به بروز شخصیت مستقل و نشان دادن توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود هستند و اگر بستر مناسب و زمینه مساعدی برای آن‌ها پیدا شود، به یقین، در رشد و شکوفایی متعادل شخصیت آن‌ها، تأثیر بسزایی خواهد داشت (وزیری، ۱۳۸۷ ش: ص ۱۲۶). مشورت در زندگی جوان، از جنبه‌های گوناگونی نیز برخوردار است. یکی از این جنبه‌ها، این است که جوانان با ابراز صلاحیت و لیاقت، شرایطی را به وجود می‌آورند که دیگران آن‌ها را مورد مشاوره قرار دهند (شرفی، ۱۳۸۱ ش: ص ۶۷). در نتیجه عبارت «فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى»، نظرخواهی است که آیا پسرش راضی است یا نه؟ (قرشی، ۱۳۷۵ ش: ج ۹، ص ۱۶۹).

در نتیجه، برخی از والدین ادعا می‌کنند که برقراری ارتباط با نوجوانان، کار دشواری است؛ چرا که آن‌ها در یک بحران روحی و جسمی به سر می‌برند و میل به صحبت ندارند و این کم‌صحبتی، در شیوه درخواست از فرزند هم خود را بروز می‌دهد. در روایات، مرحله سوم زندگی، دوران وزارت نامیده شده است. در این دوره، نوجوان به طور فطری، انتظار دارد در کارها مشارکت نماید. بر همین اساس، مشارکت نوجوان در تربیت والدین مورد توجه قرار می‌گیرد. به دلیل اهمیتی که نحوه درخواست از فرزند دارد، با توجه به دوران خاصی که نوجوان در آن به سر می‌برد، باید کلامی دوسویه و بدون امر و نهی باشد.

۴. تکریم شخصیت فرزند

خداوند انسان را بر پایه کرامت آفریده (اسراء/ ۷۰) و والدین نیز در تربیت فرزند صالح، باید تکریم شخصیت فرزند را به عنوان یک اصل مهم تربیتی، مورد توجه قرار دهند؛ چرا که پیامدهای مثبتی در آن‌ها دارد. تکریم شخصیت، تنها صفت کلامی نیست، بلکه در برخوردها نیز لازم است (شیرزاد، ۱۳۸۶ ش: ص ۸۰). پس تکریم شخصیت فرزند، در تمامی امور، از جمله در نحوه درخواست از فرزند، ضروری است. در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات، از عبارت «فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى» نیز تکریم شخصیت فرزند برداشت می‌شود.

تکریم منزلت، شامل دو امر از جانب والدین است؛ از سویی والدین، شرایط و موقعیت را به گونه‌ای برای نوجوان و جوان فراهم نمایند که فرزند در آن محیط، احساس کند که دارای شأن و مقامی درخور توجه است و از سوی دیگر، فرزند یقین حاصل کند که به مرزهای شخصیت و منزلتش، تعدی نمی‌شود و از سوی دیگران، مورد احترام واقع می‌گردد (شرفی، ۱۳۸۱ ش: ص ۶۵). آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه بیان می‌کند که: «از يك سو پدر، با صراحت مسئله

ذبح را با فرزند ۱۳ ساله مطرح کرده و از او نظرخواهی می‌کند. برای او شخصیت مستقل و آزادی اراده قائل می‌شود و هرگز نمی‌خواهد فرزندش را بفربید و کورکورانه به این میدان بزرگ امتحان، دعوت کند. او می‌خواهد، فرزند نیز در این پیکار بزرگ با نفس، شرکت جوید و لذت تسلیم و رضا را هم چون پدر بچشد! از سوی دیگر، فرزند هم می‌خواهد پدر در عزم و تصمیمش راسخ باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۹، ص ۱۱۲).

قرائتی نیز با توجه به عبارت «فَانْظُرْ مَا ذَاتَرَى»، بر این نظر است که باید برای رشد و شخصیت دادن به فرزندان خود، با آن‌ها مشورت کرد و از آن‌ها نظر خواست. هم چنین در رابطه با کلمات «یا بنی» و «یا ابت»، به این نیز اشاره می‌کند که در خانواده، گفت‌وگوی پدر با فرزندان، باید عاطفی و محترمانه باشد (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۸، ص ۴۹).

بنابراین، از عبارت «فَانْظُرْ مَا ذَاتَرَى»، این گونه نیز می‌توان برداشت کرد که حضرت ابراهیم علیه السلام، برای تکریم شخصیت فرزند خویش، از ایشان در این امر مهم نظرخواهی نمود. لذا تکریم شخصیت نوجوان در این دوران، ایجاب می‌کند که او همانند وزیر خانواده، مورد مشورت قرار گیرد و کارهایی که از او بر می‌آید، به وی واگذار گردد (تا مسئولیت‌پذیر شود) و بدین سان، مسئولیت خانواده در تعلیم و تربیت کودک، به پایان می‌رسد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶ش: ج ۷، ص ۲۷۹).

تکریم شخصیت انسان، از جمله ارزش‌های اسلامی است که در آیات، روایات و سیره معصومین علیهم السلام، مورد تاکید قرار گرفته است. بر همین اساس، در تربیت فرزند نیز والدین و مربیان باید احترام و تکریم شخصیت را مورد توجه قرار دهند. در تربیت فرزند، اصولی برای درخواست از فرزند مطرح شده است که یکی از اصول مورد توجه، تکریم شخصیت فرزند نوجوان است.

۵. گفت‌وگوی صریح و کوتاه

خانواده سالم، خانواده‌ای است که در بین اعضای آن، روابط سالم و انسانی حاکم باشد. در میان خانواده، هر مقدار که ارتباط کلامی بیشتر باشد، روابط خانواده سالم‌تر است. این ارتباط کلامی، هر اندازه از قالب نصیحت و اندرز دورتر باشد و به سمت گفت‌وگوی صریح و توأم با محبت تمایل پیدا کند، فرزند را به سمت رشد فکری سوق می‌دهد. بنابراین، یکی از استفاده‌های گفت‌وگوی صریح، در نحوه درخواست است که منجر به نزدیکی والدین و فرزندان و ایجاد خانواده سالم می‌گردد. بنابراین، در نحوه درخواست امور نیز بایستی گفت‌وگویی صریح و کوتاه، توأم با عطف و انجام داد. هم چنان که در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات، شاهد گفت‌وگویی کوتاه و صریح بین حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزند نوجوانش حضرت اسماعیل علیه السلام هستیم: «قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» گفت:

پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هرچه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا، مرا از صابران خواهی یافت!».

در کتاب مخزن العرفان در تفسیر قرآن، آمده است: «حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی در منی، موقع قربانی رسید، خواب خود را برای پسرش بازگو کرد و با ملاطفت پدری به او گفت: من در رؤیا چنین دیده‌ام که تو را سر می‌برم. حضرت اسماعیل علیه السلام، بدون تأمل و نگرانی گفت: ای پدر! بر آن چه مأموری، عمل نما. من هم به خواست خدا صبر خواهم نمود» (امین، بی‌تا: ج ۱۱، ص ۱۰۵). با توجه به این تفسیر، این نکته به دست می‌آید که گفت‌وگوی آن‌ها نیز گفت‌وگویی صریح و کوتاه بوده است.

نوجوانی دوره‌ای است که در آن کنجکاوی، آزمون و خطاهایی را نیز خود نوجوان انجام می‌دهد، لذا، همراهی والدین را طلب می‌کند تا دچار شکست و تلخی نشود. این همراهی می‌تواند به شکل گفت‌وگومحور باشد، گفت‌وگویی صریح و کوتاه که نوجوان را از شکست و تلخی دور کند. هم‌چنین این گفت‌وگوی کوتاه و صریح در نحوه درخواست در امور خطیره را نیز شامل خواهد شد.

۶. مهارت گوش‌دادن و هم‌دردی والدین

بی‌توجهی افراد خانواده به یکدیگر، سبب از بین رفتن صمیمیت و احساس بی‌مسئولیتی نسبت به هم خواهد شد. از اموری که این بی‌توجهی را از بین خواهد برد و یا بی‌تأثیر خواهد کرد، مهارت گوش‌دادن و همراهی والدین در خانواده است. مهارت گوش‌دادن در تمامی ارتباطات والدین و فرزند، مورد توجه است. یکی از این ارتباطات، نحوه درخواست از فرزند است.

از گفت‌وگویی که بین حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام در سوره مبارکه صافات آمده و هم‌چنین اتفاق‌ها و گفت‌وگویی که شرح آن در قرآن نیامده است، بلکه در ضمن داستان ذبح به آن اشاره شده نیز می‌توان مهارت گوش‌دادن و هم‌دردی والدین را برداشت کرد.

در رابطه با اتفاق‌ها و گفت‌وگوهایی که شرح آن در قرآن نیامده است، این‌گونه بیان شده که: «فرزند فداکار، برای این که هم پدر را در انجام این مأموریت کمک کند و هم از رنج و اندوه مادر بکاهد، هنگامی که او را به قربانگاه در میان کوه‌های خشک و سوزان سرزمین «منی» آورد، به پدر گفت: پدرم ریسمان را محکم ببند تا هنگام اجرای فرمان الهی، دست‌وپا نزنم؛ چرا که می‌ترسم از پاداشم کاسته شود! پدر جان، کارد را تیز کن و با سرعت از گلویم بگذران تا تحملش بر من (و بر تو) آسان‌تر باشد! پدرم، از قبل پیراهنم را از تن بیرون کن که به خون آلوده نشود؛ چرا که بیم دارم چون مادرم آن را ببیند، عنان صبر از گفش بیرون رود. آن‌گاه افزود: سلام را به مادرم برسان و اگر مانعی ندیدی، پیراهنم را برایش ببر که باعث تسلی خاطر و تسکین دردهای او است؛ چرا که بوی فرزندش

را از آن خواهد یافت و هرگاه دلتنگ شود، آن را در آغوش می‌فشارد و سوز درونش را تخفیف خواهد داد. لحظه‌های حساسی فرا رسید، فرمان الهی باید اجرا می‌شد. ابراهیم علیه السلام که مقام تسلیم فرزند را دید، او را در آغوش کشید و گونه‌هایش را بوسه داد و هر دو در این لحظه به گریه افتادند؛ گریه‌ای که بیانگر عواطف و مقدمه شوق لقای خدا بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۹، ص ۱۱۴). بنابراین، با توجه به شرح واقعه و گفت‌وگوهایی که شده است، این نکته نیز برداشت می‌شود که حضرت ابراهیم علیه السلام در این امر مهم، با مهارت لازم به گفته‌های فرزندشان گوش فرا می‌دهد و در کنار آن، با فرزندشان احساس هم‌دردی می‌کند.

همراهی و گوش دادن در ارتباط با انسان‌ها، یک ویژگی پسندیده محسوب می‌شود. والدین نیز باید مهارت گوش دادن و همراهی را در مقابل فرزندان خود به کارگیرند. از جمله موارد به کارگیری مهارت گوش دادن و همراهی والدین، در نحوه درخواست از فرزند است.

۷. عامل بودن والدین

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب کردن او به عملش، پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد و کسی که معلم و ادب‌کننده خویش است، به احترام، سزاوارتر از کسی است که معلم و مربی مردم است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۴ش: حکمت ۷۳، ص ۷۴۸). بر این اساس، عامل بودن از اهمیت بسزایی برخوردار است. از دیگر عوامل تأثیرگذار در تربیت فرزند، عامل بودن والدین است و لذا عامل بودن والدین، در نحوه درخواست از فرزند نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. این مطلب از آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات استخراج می‌شود، هرچند که به صراحت در آیه به آن پرداخته نشده است.

در این آیه، شاهد تسلیم بودن حضرت اسماعیل علیه السلام در برابر فرمان الهی هستیم و لذا از این نکته نیز چنین برداشت می‌شود که چون ابتدا حضرت ابراهیم علیه السلام در مقابل امر پروردگار، از روی رضا تسلیم بود، عامل و الگویی بود که در ادامه فرزند نیز از آن پیروی کند. این مسئله از جمله مسائلی است که در هنگام درخواست از فرزند در امور خطیره، می‌توان در نظر داشت.

از استدلال قرآن، این برمی‌آید که الگودهی و الگوپذیری، باید هدایت انسان را تأمین کند. تأثیر الگوپذیری و تقلید از گروه‌های مرجع، ابعاد زندگی نوجوان را تحت پوشش قرار می‌دهد. نمودهای ابعاد الگوپذیری در سبک زندگی بروز و ظهور می‌یابد. یک نوجوان با تأثیرپذیری از گروه مرجع

و الگوی خود، نوع لباس، نحوه آرایش، طرز سخن گفتن، شکل راه رفتن، لوازم شخصی و روابط اجتماعی خود را برمی‌گزیند (کوشا و ساجدی، ۱۳۹۳ ش: ص ۱۲۶).
لذا از عوامل مؤثر در تربیت فرزندان، الگوپذیری آن‌ها است و بهترین الگو برای فرزندان، پدر و مادر هستند. بر این اساس، والدین نیز خودشان در امور باید عامل باشند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همه آیات قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم، در مقام تربیت انسان است. از بخش‌های مهم تربیت، تربیت فرزند است که قرآن کریم در سوره‌های متعدد، در بیان سرگذشت انبیاء (علیهم‌السلام) و فرزندان‌شان، به این مسائل تربیتی می‌پردازد. یکی از داستان‌های تربیتی در قرآن کریم، داستان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) پیرامون ذبح فرزندش است.

باتوجه به داستان و شرایط سنی حضرت اسماعیل (علیه‌السلام)، این پژوهش، یکی از رده‌های سنی مهم در تربیت فرزند یعنی نوجوانی را مورد بررسی قرار داده است. از نکات مهم تربیتی در این گروه سنی، بحث نحوه درخواست از فرزند است. اهم نتایج حاصله بعد از بررسی و پژوهش، بدین شرح قابل ارائه است:

۱. در نظر گرفتن توانایی نوجوان که از الزامات تربیت درست است، علی‌الخصوص در نحوه درخواست از فرزند؛
۲. محبت، کلید اساسی است که در تمامی امور، حتی در درخواست از فرزند بایستی مورد توجه والدین قرار بگیرد؛
۳. تکریم شخصیت از جمله اموری است که در روایات نیز مورد تأکید بوده و هم‌چنین در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) قابل مشاهده است؛
۴. والدین به دلیل این‌که فرزند نوجوانشان در بحران هویت قرار دارد و مدام در حال کناره‌گیری از جمع است و هم‌چنین برای شکل‌گیری شخصیت او، لازم است که در درخواست از فرزند، جلب مشارکت از جانب او را به کارگیرند.
۵. گفت‌وگوی صریح، از موارد مهم دیگری هست که باید در درخواست از فرزند، رعایت کرد. ارتباط کلامی، هر اندازه از قالب نصیحت و اندرز دورتر باشد و به سمت گفت‌وگوی صریح و توأم با محبت تمایل پیدا کند، اثرگذاری بیشتری خواهد داشت.
۶. یکی دیگر از مواردی که والدین باید در رفتار با فرزند یاد بگیرند، مهارت گوش دادن و هم‌دردی کردن است.

۷. عامل بودن والدین آخرین نکته‌ای است که از این آیه استخراج شد؛ چراکه الگوپذیری و تقلید از گروه‌های مرجع، ابعاد زندگی نوجوان را تحت پوشش قرار می‌دهد و اولین گروه مرجع برای فرزندان، والدین هستند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، مترجم: ناصر، مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، (۱۳۸۴ش)، مترجم: ناصر، مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۴. استکی اورگانی، فاطمه، (۱۳۹۵ش)، *مبانی پیامدهای محبت در تربیت فرزندان از دیدگاه آیات و روایات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن قم.
۵. امین، نصرت بیگم، (بی تا)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، بی نا، بی جا.
۶. اولیایی ترشیزی، منیره، (۱۳۹۶ش)، *بازنمایی ارتباط والدین با فرزندان جوان، مطالعه انتقادی فیلم (کوچه بی نام)*، فرهنگ پژوهش، شماره ۳۱، صص ۵ - ۳۳.
۷. بروجرودی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر جامع*، کتابخانه صدر، تهران، چاپ ششم.
۸. پسندیده، عباس، (۱۳۹۲ش)، *الکوی اسلامی شادکامی*، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم.
۹. جزایری، نعمت الله بن عبدالله، (۱۳۸۸ش)، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، محقق: موسسه فرهنگی ضحی، نور وحی، قم.
۱۰. حق جو، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *جلوه‌های بلوغ*، المهدی، تهران.
۱۱. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی تا)، *تفسیر روح البیان*، دارالفکر، بیروت.
۱۲. زارعی، زهرا، (۱۳۹۸ش)، *راهبردهای تربیتی در ارتباطات انسانی در گفتگوی ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام با تاکید بر آیه ۱۰۲ سوره صافات*، مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۱۳ - ۱۲۶.
۱۳. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، (۱۴۰۸ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم.
۱۴. شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر اثنی عشری*، میقات، تهران.
۱۵. شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۱ش)، *جوان و بحران هویت*، سروش، تهران، چاپ سوم.
۱۶. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۸۴ش)، *تفسیر نور علی نور*، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم.

۱۷. شیرزاد، فریده، (۱۳۸۶ش)، **روان‌شناسی تربیت دینی کودک و نوجوان**، انتشارات عابد، تهران.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، **تفسیر المیزان**، مترجم: محمدباقر، موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۷ش)، **تفسیر جوامع الجامع**، مترجمان: علی، عبدالحمیدی و همکاران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۲۰. ———، (بی‌تا)، **تفسیر مجمع‌البیان**، مترجم: حسین، نوری همدانی، فراهانی، تهران.
۲۱. فرهادیان، رضا، (۱۳۹۰ش)، **والدین و مربیان مسؤول**، بوستان کتاب، قم.
۲۲. قاضی، میترا و همکاران، (۱۴۰۰ش)، **الگوی ساختاری رابطه بین ارتباط والد-فرزند و سبک‌های تصمیم‌گیری با میانجی‌گری تنظیم‌شناختی هیجان**، نشریه روان‌پرستاری، سال نهم، شماره ۴۷، صص ۴۹ - ۶۲.
۲۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۲۴. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۵ش)، **تفسیر احسن‌الحديث**، بنیاد بعثت، تهران، چاپ دوم.
۲۵. کوشا، غلام‌حیدر و ساجدی، ابوالفضل، (۱۳۹۳ش)، **خانواده و مدیریت الگوپذیری نوجوان**، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره اول، صص ۱۱۳ - ۱۳۶.
۲۶. گروه نویسندگان، (۱۳۸۶ش)، **حدیث زندگی، جوان، هیجان و خویشتن‌داری**، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم.
۲۷. محمدی، حمید، (۱۳۹۷ش)، **صرف متوسطه**، هاجر، قم.
۲۸. محمدیان، بهرام، (۱۳۷۷ش)، **نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام**، انجمن اولیاء و مربیان ایران، تهران.
۲۹. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۸۶ش)، **حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ**، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم.
۳۰. مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۹۲ش)، **از دواج در اسلام**، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم.
۳۱. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸ش)، **تفسیر کاشف**، مترجم: موسی، دانش، بوستان کتاب، قم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ ۱۰.
۳۳. میبیدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، **کشف الاسرار و عدة الابرار**، امیرکبیر، تهران.
۳۴. وزیری، مجید، (۱۳۸۷ش)، **حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام**، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.